

وزیران مهم دولت رابرتی کرده باشد. اخبار حاکی از آن است که مکرون دست به انحلال پارلمان زد تا از قدرت گرفتن بیشتر جریان راست افراطی جلوگیری و با به دست آوردن اکثریت در مجلس، اعتبار جریان راست میانه را احیا کند.

این ششمین بار در تاریخ جمهوری پنجم فرانسه است که پارلمان از سوی رئیس جمهور منحل می شود. پیش از این ژنرال دوگل در سال های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۸، فرانسوا میتران در ۱۹۸۱ و ۱۹۸۸، ژاک شیراک در ۱۹۹۷ پارلمان را منحل کردند. مطالعه این روند نشان می دهد که هر کدام از رؤسای جمهور فرانسه در این مقاطع زمانی، برای به دست آوردن حمایت سیاسی بیشتر دست به انحلال پارلمان زدند که همه آن ها نیز موفق نبودند.

به گزارش ایسنا به نقل از فیگارو، یائل برون-بیوه، رئیس مجمع ملی فرانسه درباره این کار رئیس جمهور معتقد است که راه دیگری به جز انحلال پارلمان وجود داشت؛ راهی که به ائتلاف و یا پیمان حکومتی منجر می شد. با این حال رئیس مجمع منحل شده فرانسه، اظهار داشت که تصمیم رئیس جمهور در درک می کند: «زیرا مهم است که مستقیم به وضعیت نگاه کنیم و به آنچه فرانسوی ها به ما می گویند گوش دهیم. دموکراسی در خطر است، زیرا پوپولیست ها در سراسر اروپا پیشرفت کرده اند. وقتی پوپولیست ها در قدرت هستند، این حاکمیت قانون است که تهدید می شود. در همین حال براساس نظر سنجی ایفوپ-فیدوسیا، اکثریت مردم فرانسه با تصمیم مکرون موافقت و خواستار انحلال مجمع ملی پس از انتخابات اروپا بودند. برخی معتقدند که این وضعیت، نشان دهنده دویاره شدن جامعه فرانسه میان دو گفتمان راست افراطی و میانه روی است. انتخابات فرانسه در دو مرحله برگزار می شود. مرحله اول، به صورت اکثریت مطلق برگزار می شود، یعنی تنها نامزدی که ۵۰ درصد به علاوه ۱ رای (از آرای کلیه افراد ثبت نام کرده برای انتخابات و نه همه افرادی که رای می دهند) کسب کرده باشد، به پارلمان راه پیدا می کند. در غیر این صورت دو نامزد پیشنهادی در هر حوزه به اضافه هر نامزدی که بیش از ۱۲/۵ درصد آرا را کسب کرده باشد، به مرحله دوم می روند. در دور دوم هر نامزدی که اکثریت نسبی آرا را کسب کند وارد پارلمان خواهد شد.

تئور را گرم خواهد کرد اما نانی که از آن بیرون می آید باید میل نهادهای قدرت خواهد بود که بعد از درگذشت رهبر فقید انقلاب بافتار و ساختار آنان از جناح چپ فاصله گرفته بود.

خاتمی اما ۲۰ میلیون رأی رئیس جمهور شد و دو سال بعد در بهمن ۱۳۷۸ مجلس ششم هم به دست اصلاح طلبان افتاد. از انتخابات شوراها صرف نظر می کنم تا بحث مطول نشود. در سال ۱۳۸۰ چاره ای جز تأیید رئیس جمهور مستقر نبود منتها نامزدهای بیشتری تأیید شدند تا از رئیس جمهوری ۲۰ میلیونی خاتمی با ۱۰ میلیون رأی بسازند منتها آرای او نه تنها کم نشد که به ۲۲ میلیون رسید.

طراقت اصول گرایان طاق شده بود و برای مجلس بعدی دست به رصلاحیت گسترده زدند. درست است که در نهایت به برگزاری انتخابات تن دادند اما چند ماه درگیر انتقاد و تهدید او بودند.

در سال ۸۴ نامزد اصلاحات پیروز نشد اما فضایی که در دوران اصلاحات طی ۸ سال ایجاد شده بود به محمود احمدی نژاد جسارت داد بر شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی بشورد سازی جدا کوک کند. ۴ سال بعد خاتمی عزم ریاست جمهوری کرد اما منصرف شد و میر حسین موسوی را به صحنه فرستاد و به خاطر همین او را مسئول اتفاقات بعد و حتی مواضع آخرین نخست وزیر ایران می دانند در حالی که خاتمی وزیر موسوی بود و رئیس او نه آنکه گوش به فرمان و توصیه او داشته باشد.

دو سال بعد باز تک رأی در دماوند و چنان که اشاره شد اثر گذاشت. طعنه ها را به جان خرید تا رشته ها گسسته و در ۹۲ اثر گذاری او با واداشتن محمود رضا عارف معاون اول دولت دوم اصلاحات به کناره گیری رخ نمود چرا که فضای انتخابات به دو قطبی بر سر پرزنده هسته ای بدل شد روحانی مرد این میدان بود که یک بار توافق سعید آباد را به سامان رسانده بود. دو سال بعد باز خاتمی بود که با «تکرار» مشهور برای تغییر ترکیب مجلسین شورا و خبرگان کوشید و مصباح زدی و محمد زدی با آن تکرار از دایره بیرون افتادند تا جبران رصلاحیت سید حسن خمینی باشد. اگر چه هاشمی رفسنجانی نتوانست باز بر کرسی ریاست خبرگان بنشیند اما مجلس شورای اسلامی هم دست خوش تغییر شد و اینجاست که بار نشد که عارف را بر کرسی ریاست بنشانند.

سال ۹۶ هم باز خاتمی بود که با حمایت دوباره از روحانی مانع انتخاب مرحوم رئیسی شد و در ۱۴۰۰ اگر چه رأی داد اما اشارات صریحی به همتی نداشت و فضای سیاسی کشور در پی وقایع سال ۹۸ کاملاً تغییر یافته و با خروج ترامپ از برجام و فیلترینگ دولت روحانی در مخمصه افتاده و سرمایه اجتماعی اصلاح طلبان به شدت آسیب دیده بود.

➤ پروژه اقلیت سازی

اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ خاتمی را به این نتیجه رساند که مانع تبدیل اصلاحات به اقلیت شود و در تصمیمی متفاوت با بیانیه موسوم به روزنه گشایی رأی نداد و این بار برای ندادن اثر گذاشت. ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ اما در شمال شرقی ایران و در ورزقان اتفاقی رخ داد که تا سال ها درباره آن خواهند نوشت و عجاناً فضای سیاسی کشور را گشود و به تعبیر احمد زیدآبادی پس از سوءالقبض، حسن القضا فرار سیدو ناگهان اصلاح طلبان مجال شرکت در انتخابات را یافتند.

مسعود پزشکیان در حالی انتخاب شد که فضای تحریم سنگین بود و وعده های پیچ و پوک و اغواگر بر خی نامزدها آن چنان که بیم روی گردانی از نامزد مورد نظر خاتمی را در دل هایی انداخته بود اما این بار هم باز انتخابات با نام خاتمی عین شد. چندان که صداسوسیما نابو شکست و پذیرفت که او می تواند در هر انتخاباتی اثر بگذارد. در غالب موارد ایجابی و گاهی هم چون اسفند گذشته سلسلی و حالایی باید به کیهان یادآوری کرد اگر خاتمی نبود نرخ مشارکت به زیر ۲۵ درصد فرمی کاست و باید شاکر باشند نه شاکي.

متقابلاً خاتمی و دوستان او هم متوجه هستند که بدون تدابیری در سطوح عالی این امکان فراهم نمی شود و به جای تکرار کلیشه های ادبیات سابق در دو طرف باید بر موازنه و آشنستی تأکید کرد چرا که به قول بابا طاهر: چه خوش بی مهربانی هر دو سر بی...

معطوف خواهد شد. «سیاستمداران راست افراطی فرانسه در موضوع سیاست اوکراینی مکرون، با رئیس جمهور اختلافات شدید دارند. گفته می شود که این حزب روابط نزدیکی با روسیه دارد. براساس قانون اساسی فرانسه، فرماندهی کل قوا بر عهده رئیس جمهور است، اما در همین قانون ذکر شده که مسئولیت دفاع ملی با نخست وزیر است. جردن باردلا در کمپین های انتخاباتی اعلام کرده که در صورت رسیدن به قدرت، چندین خط قرمز در حوزه نظامی خواهد داشت که بر سر آن ها با مکرون مذاکره نخواهد کرد. او می گوید ارسال تسلیحات دوربرد به اوکراین را متوقف می کند و بر بحث احتمال ارسال نظامیان فرانسه به اوکراین نقطه پایان می گذارد.

➤ درگیری های خیابانی فرانسه

پس از مشخص شدن نتایج انتخابات، اعتراضاتی از سوی هواداران ائتلاف جریان چپ صورت گرفت که با برخورد پلیس مواجه شد. به گزارش ایسنا، با روشن شدن تصویری از نتایج انتخابات در شامگاه یکشنبه، شورش ها، درگیری ها و غارت ها در سراسر فرانسه به وقوع پیوست و حامیان جناح چپ به خیابان ها هجوم آوردند تا پیروزی ائتلاف «جبهه مردمی جدید» بر «اجتماع ملی» از جناح راست ها و میانه روی های امانوئل مکرون را جشن بگیرند. بیش از ۳۰۰۰۰ افسر پلیس ضدشورش، از جمله ۵۰۰۰ نفر تنها در پاریس، در سراسر فرانسه مستقر شدند تا از خشونت جلوگیری کنند، زیرا تنش های سیاسی بین راستگرایان و چپگرایان به شدت افزایش یافته است. اندکی پس از اعلام نتایج اولیه هم شورش هایی در اهریما می جبهه مردمی جدید در مرکز شهر پاریس به راه افتاد و نانت، لیون، مارسای و ورن به سرعت به آن ملحق شدند. نیروهای امنیتی فرانسه در آماده باش هستند.

➤ انحلال پارلمان

پس از پیشتازی حزب راست افراطی اجتماع ملی به رهبری مارین لوپن در انتخابات پارلمان اروپا (۲۴، ۲۰۲۴)، مکرون انحلال مجمع ملی فرانسه را اعلام کرد. به گزارش رادیو بین المللی فرانسه (RFI) رئیس جمهور آن کشور، در گفتار کوتاهی انحلال مجلس ملی فرانسه را به آگاهی مردم کشورش رساند. گفته می شود این تصمیم را او بی درنگ پس از پیروزی چشمگیر راست افراطی در آن انتخابات گرفته بود بی آنکه با نخست وزیر

است که الفا شود متولیان انتخابات، امانت دار رای مردم نیستند. در سلامت انتخابات همین بس که بارها نامزدهای رقیب هم، در عین ناباوری پیروز شده اند و نتیجه، در موارد متعدد قابل پیش بینی نبوده است.

البته نگرانی آقای پزشکیان، یک مابه ازای واقعی دارد و آن کسانی مانند خاتمی هستند که سال ۱۳۸۸ هماهنگ با نقشه آمریکا و انگلیس و اسرائیل، در مقابل ۲۴/۵ میلیون رأی اکثریت ملت، سر به آشوب گذاشتند و کشور را گرفتار دودستگی و سپس تحریم های گسترده دشمنانی کردند که از دیدن دودستگی، جرأت پیدا کرده بودند.

آقای پزشکیان طی سه روز گذشته دو بار با خاتمی ملاقات کرد. یعنی همان کسی که اگر بازیگری او موسوی در نقشه آمریکایی-صهیونیستی پیش می رفت، نه اثری از امنیت و ثبات کشور باقی مانده بود و نه انتخابات، که آقای پزشکیان یا هر کس دیگر بخواهد انتخاب شود.

خیر خواهانه باید به آقای پزشکیان یادآور شد که امثال خاتمی به شهادت گذشته شان، خیر خواه او هیچ کس دیگری نیستند. بنابراین باید فاصله ایمنی لازم را با آنها حفظ کرد و این جدای از این نکته مهم است که رئیس جمهور در مرادانش نباید خود را و امدا را کسی یا کسانی نشان دهد. رئیس جمهور فقط و امدا مردم و نظام است. «

جمله آخر در حالی است که مسعود پزشکیان را به رغم تمام سوابق انقلابی و زیست مسلمانی از آنچه «جبهه انقلاب» می خوانند جدا می دانستند و انگار انتخابات ریاست جمهوری به صحنه تقابل ۴ نامزد انقلابی با پزشکیان و پورمحمدی بدل شده و همین که دبیر جامعه روحانیت مبارز با سابقه معاونت وزارت اطلاعات و وزارت کشور و دادگستری را هم از جبهه انقلاب بیرون گذاشته بودند خود به تهایی کفایت می کرد نشان دهند مرز بندی شان تا چه حد بی پایه است مگر آنکه به این سبب بدانیم که ائتلاف اصول گرایی در هر دوره با یک نام ظاهر می شود و حالا که اصول گرایی سنتی بوی «نا» گرفته و در غیاب ضلع اصول گرایی از نوع احمدی نژاد ناچار به فایت دو ضلع نواصول گرایی (قالیباف) و اصول گرایی رادیکال (جلیلی) تن دادند و دو نفر هم مأور شدند تا پروژه احمدی نژاد در سال ۸۸ را شبیه سازی کنند و بگویند پزشکیان در صدد تشکیل دولت سوم روحانی است. چرا؟ چون دو سوی او «جوادی» قرار گرفته بودند: جواد ظریف وزیر خارجه و جواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات دولت روحانی و این در حالی بود که از دولت روحانی سه سال می گذشت و پزشکیان با آن صنمی نداشت و اتفاقاً اگر بنا بر دولت سوم می بود دولت سوم خاتمی متناسب تر می نمود.

➤ دولت سوم روحانی یا خاتمی؟

این اشارات برای آن است که بگویم از قضا سرکنگبین صفرافزود و راهبرد رقبای پزشکیان که با ادبیاتی زنده و گاه چندش آور بر زبان دو مدعی-علیرضا زاکانی و قاضی زاده هاشمی-می نشست پزشکیان را ناچار کرد به خاتمی اشاره کند و حتی در مناظره آخر به صراحت گفت: مردم! زمان خاتمی وضع شمای بهتر بود یا سه سال دولت آقای رئیسی؟

بدین ترتیب نام خاتمی بارها و بارها در مناظره ها مطرح شد و رئیس جمهوری پیشین که طی ۱۵ سال تمام تلاش ها برای راندن و حذف او صورت گرفت در کانون توجه نشست. شاید تنها در خرداد ۱۴۰۰ خاتمی نتوانست در انتخاباتی اثر بگذارد و گر نه در غالب انتخابات قبل از آن با بازی گردان بوده یا به قهر و آشتی رویگرد او توجه شده است.

درست است که در سال ۱۳۷۲ و با رأی اعتراضی استان کردستان به احمد توکلی انگاره برگزاری انتخابات در ایران که اجماع بر سر یک نفر و چیدن رقبایی غیر جدی گرداگرد او بود ترک برداشت اما از سال ۱۳۷۶ و او راورد سیدمحمد خاتمی انتخابات ریاست جمهوری به مسیری دیگر افتاد. دوم خرداد خاتمی در حالی پیروز شد که ۵ سال قبل از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کناره گرفته و تنها مشاور فرهنگی رئیس جمهور وقت-هاشمی رفسنجانی-به حساب می آمد و تصور نمی شد با شخصیت فرهنگی و روشن فکری توده ها را جذب کند. به عبارت دیگر با منتفی شدن نامزدی میر حسین موسوی تصور می شد خاتمی



محمد رضا تقوی

ایرنا: انتخاب پزشکیان به عنوان رئیس جمهور به ارتقای سلامت جامعه کمک خواهد کرد



نگاه حقوقدان

رستاخیز جو بایدن

نگاهی به متمم ۲۵ قانون اساسی ایالات متحده



آرش ملکی

پژوهشگر دکتری حقوق بین الملل

رئیس جمهور ایالات متحده روزهای خوبی را سپری نمی کند. سیاست های داخلی و خارجی دولت او نتایج مطلوب در پی نداشته و به افزایش بهای سوخت، ناکامی در کنترل مهاجرت غیرقانونی و استمرار جنگ در اوکراین و غزه منجر شده. مطابق نظر سنجی های معتبر، شکست بایدن در انتخابات نوامبر سال جاری میلادی بیش از هر زمان دیگر محتمل به نظر می رسد. این احتمال، پس از عملکرد بسیار ضعیف در مناظره با ترامپ که ناتوانی ذهنی و جسمی بایدن را پیش چشم ۵۱ میلیون بیننده عیان ساخت، فزونی یافته است. در نتیجه ای این رخداد و در فاصله چهار ماه تا انتخابات، صداهایی از درون حزب دموکرات وی را به خروج از رقابت فرا می خوانند تا بلکه با جایگزین ساختن اشخاصی چون کامالا هریس (معاون رئیس جمهور)، گوین نوسام (فرماندار ایالت کالیفرنیا) و میشل اوپاما (بانوی اول سابق ایالات متحده) مانع بازگشت ترامپ به کاخ سفید شوند. به عنوان مثال، گفته شده که سناتور مارک وارنر (رئیس کمیته اطلاعات سنا) تلاش داشته تا با هماهنگی گروهی دیگر از اعضای سنا بایدن را به خروج از رقابت ترغیب کند. در عین حال، مایک جانسون (نماینده جمهوری خواه و سخنگوی فعلی مجلس نمایندگان) نیز در روزهای پس از مناظره در اظهار نظری اعمال متمم ۲۵ قانون اساسی ایالات متحده و عزل رئیس جمهور توسط کابینه را ضروری برشمرد. متعاقب این اظهار نظر، شماری از رسانه های محافظه کار همچون واشینگتن ایگز مینر تاکنون به ایده اعمال متمم ۲۵ قانون اساسی پرداخته اند. اما متمم ۲۵ قانون اساسی چه می گوید؟

این متمم که به تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۶۵ به قانون اساسی ملحق شد، ذیل چهار بخش (به ترتیب) به چهار وضعیت خاص نظر دارد: (۱) جانشینی معاون رئیس جمهور در صورت مرگ، استعفاء یا اعلام جرم علیه رئیس جمهور، (۲) معرفی معاون رئیس جمهور و انتخاب او با رأی اکثریت مجلسین در فرض خالی ماندن این کرسی، (۳) بر عهده گرفتن وظایف ریاست جمهوری توسط معاون رئیس جمهور در زمان

سمفونی خطوط

اعلام ناتوانی از ایفای این وظایف از سوی رئیس جمهور به رؤسای مجلسین (۴) اعلام ناتوانی رئیس جمهور از سوی معاون رئیس جمهور و اکثریت مقامات رسمی قوه مجریه به رؤسای مجلسین و عزل رئیس جمهور و جانشینی معاون او و تصمیم گیری با رأی اکثریت دوسوم مجلسین در فرض بروز اختلاف درباره توانایی رئیس جمهور. حال رقبای سیاسی بایدن تلاش می کنند ایده اعمال بخش چهارم از متمم ۲۵ را با توجه به سال خوردگی و ضعف غیرقابل انکار بایدن در عرصه عمومی مطرح نمایند. لیکن، اجرای این مقرره مستلزم ناتوانی مشهود رئیس جمهور و بروز شکاف اساسی میان رئیس جمهور و کابینه است و در شرایطی که صندوق رای هر چهار سال یکبار امکان تغییر را پیش بینی نموده، هیچ کدام از متحدان سیاسی رئیس جمهور که در کابینه به خدمت گمارده شده اند با هدف تحصیل قدرت برای کشور بحرانی چنین عظیم ایجاد نمی کنند. حتی سناتور تد کروز که از مخالفان سرخست سیاست های بایدن محسوب می شود نیز اعمال متمم ۲۵ در مورد وضعیت بایدن را «بی اندازه خطرناک» توصیف نمود.

این بخش از متمم ۲۵ تاکنون اعمال نشده. لیکن در چهار برهه در مورد آن گمانه زنی صورت گرفت. ترور ریگان در سال ۱۹۸۱ و احتمال بروز الزایمر وی به سال ۱۹۸۷، اخراج جیمز کومی (رئیس دایره بازرسی فدرال) توسط ترامپ در سال ۲۰۱۷ و وقایع ۶ ژانویه ۲۰۲۱ مواردی هستند که در مورد اعمال بخش چهارم از متمم ۲۵ گفت و گوهایی در سطح مقامات رسمی انجام شد. در وضعیت بایدن، هنوز نشانه ای از بروز ناتوانی مشهود در بایدن وجود ندارد و او پس از آن مناظره ضعیف، در چندین گردهمایی انتخاباتی به سخنرانی پرداخت و در مصاحبه با شبکه ABC کناره گیری از رقابت را به ضرس قاطع رد کرد. لذا احتمال مداخله کابینه در پرتو حمایت آنها از رئیس جمهور صفر است. لیکن وجود مقرره ای همچون متمم ۲۵ و حمام خونی که به واسطه آن راه نمی افتد آماره ای از تعقیب دموکراسی است. در هر حال، سیاست آمریکایی قابل پیش بینی نیست اما واقعیت آن است که جو بایدن در مقام رئیس جمهور مستقر تنها شخصی است که می تواند نسبت به ترک رقابت یا استمرار حضور تصمیم بگیرد. در نتیجه، از این قدرت برخوردار است که در رقابت بماند و (به احتمال قوی) حزب دموکرات را همراه خود به زیر بکشد.